



Studies on Israel - US
Vol 24. No 1. Spring 2023
Received date: 2022.12.29
Acceptance date: 2023.02.14



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

ISIS, Iraqi government and national security of the Islamic Republic of Iran

Ahad Rezayan¹



Abstract

The main question in this research is about ISIS in Iraq and the national security of the Islamic Republic of Iran. With the advance of ISIS in Iraq and the capture of some cities and provinces and the declaration of the government and caliphate in the captured cities, the question is raised in the first place that What will be the future of Iraq? In accordance with the answer given to this question, another more important question can be raised and investigated, and that is, what policies and positions should Iran take in the current situation and the possible future of Iraq? And in other words, what should be done against the ISIS phenomenon? In order to answer this question, firstly, it has been said why the internal situation of Iraq is important and vital for the national security of the Islamic Republic of Iran, then the alternative futures of Iraq have been examined considering the phenomenon of ISIS. Finally, it has been concluded that the requirement of the national security of the Islamic Republic of Iran is the decisive but managed support of the Shia government and the Shia groups present in the current government of Iraq and a decisive confrontation with the ISIS group and its leaders. For this purpose, it has been suggested that Iran strictly pursues the policy of eliminating ISIS from the Iraqi political scene by strengthening the Shia groups militarily and without a physical presence in this country. Also, considering the non-diplomatic stances and behaviors and the image created by this group among the people of the countries of the region, its diplomatic capacity (public diplomacy) and its media atmosphere to create differences between the people of neighboring Sunni countries such as Turkey, Qatar and Saudi Arabia.

Keywords: ISIS, Iraq, Iran, National Security, Alternative Futures.

¹ Ph.D. of Future Studies at Tehran University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی

دوره ۲۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

گروه داعش، دولت عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

احد رضایان قیه‌باشی^۱



چکیده

پرسش اصلی در این پژوهش حول موضوع داعش در عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. با پیشروی داعش در درون عراق و تصرف برخی از شهرها و استان‌ها و اعلام حکومت و خلافت در شهرهای تحت تصرف، در وهله نخست این پرسش مطرح می‌گردد که آینده عراق چگونه خواهد شد؟ متناسب با پاسخ ارائه شده به این پرسش، سؤال مهم‌تر دیگری نیز قابل طرح و بررسی است و آن اینکه ایران در وضعیت فعلی و آینده احتمالی عراق، چه سیاست‌ها و مواضعی را باید در پیش گیرد؟ و به عبارت دیگر در برابر پدیده داعش چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا گفته شده که چرا وضعیت داخلی عراق برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مهم و حیاتی است؛ در ادامه آینده‌های بدیل عراق با در نظر گرفتن پدیده داعش بررسی و در نهایت نتیجه‌گیری شده است که اقتضای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حمایت قاطع اما مدیریت‌شده از دولت شیعی و گروه‌های شیعی حاضر در حاکمیت فعلی عراق و برخورد قاطع با گروه داعش و رهبران آن است. برای این منظور پیشنهاد شده که ایران با تقویت نظامی گروه‌های شیعی و بدون حضور فیزیکی در این کشور سیاست حذف داعش از صحنه سیاسی عراق را به شدت دنبال نماید. همچنین با توجه به موضع‌گیری‌ها و رفتارهای غیر دیپلماتیک و تصویر ایجاد شده از این گروه در میان مردم کشورهای منطقه از ظرفیت دیپلماتیک (دیپلماسی عمومی) و فضای رسانه‌ای خود برای ایجاد اختلاف بین مردم کشورهای سنی همسایه مثل ترکیه، قطر و عربستان و... با این گروه استفاده نماید.

واژگان کلیدی: داعش، عراق، ایران، امنیت ملی، آینده‌های بدیل.

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره به وضعیتی دارد که در آن تمامیت ارضی، حکومت، حاکمیت و مردم ساکن در آن در ایمنی و رفاه به سر می‌برند. ایمنی اشاره به عدم تهدید و رفاه اشاره به گامی فراتر یعنی آسودگی خاطر دارد؛ برای نیل به یک چنین سطحی از امنیت، لازم است تا بر تمامی مخاطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی فایق آمد. مسلماً رسیدن به یک چنین سطحی از امنیت در واقعیت امری غیرممکن است، چرا که دامنه تهدیدها و مخاطرات به قدری گسترده و خارج از کنترل و اراده ماست که عملاً امکان کنترل همه آنها وجود ندارد. اما نیل به یک سطحی نسبی از امنیت همواره دغدغه دولت‌ها و ملت‌ها بوده است، به طوری که همواره یکی از مبانی مقبولیت‌زا و مشروعیت‌آفرین برای کشورها همین مسئله بوده و خواهد بود و مردم اصولاً طرفدار نظام‌ها و سیستم‌هایی بوده و هستند که توانایی و قابلیت تامین بیشترین سطح امنیت را داشته باشند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست با اینکه مبنای مشروعیتش الهی است اما مقبولیت و پایه‌های استوارش بر رأی و نظر مردم استوار است. از این روی هم در راستای حفظ نظام اسلامی و هم در راستای تامین امنیت و رفاه مردم مسلمان ساکن در این کشور، حکومت اسلامی هم موظف و هم علاقه‌مند به تامین بیشترین میزان امنیت و رفاه است. امنیت ملی عراق فعلی از دو بُعد با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گره خورده است؛ در بعد نخست گفته می‌شود که هر چه کشورهای همسایه و کنشگران منطقه‌ای در درون مرزهای خود از امنیت و ثبات بیشتری برخوردار باشند، موجب ایجاد نظم و امنیت در درون مرزهای ما خواهد شد. از این روی یک عراق با ثبات و امن یا یک افغانستان مقتدر، می‌تواند مانع از بروز تهدیدهای مرزی و در نتیجه تهدید امنیت ملی ما شود و این یعنی نیاز تک‌تک کشورها به افزایش عمق استراتژیک خود و ایجاد فضای امن و باثبات در اطراف مرزهای خود.

در بعد دوم، بحث بیشتر مختص وضعیت عراق و ارتباطات مذهبی و ارزشی آن با ایران، با توجه به وضعیت منطقه و جهان است. ایران به‌عنوان یک کشور مذهبی و ایدئولوژیک مبنای مشروعیتش را بر اصول دینی و علی‌الخصوص اصل ولایت و امامت تعریف نموده است، که این کشور در سیاست خارجی خود بر اساس قانون اساسی و اصول دینی، موظف شده تا از استراتژی‌های حمایتی به نفع جنبش‌های دینی و به‌خصوص جنبش‌های اسلامی-شیعی بهره‌برد. بر این اساس حمایت از یک عراق دارای حکومت قدرتمند شیعی - با توجه به اکثریت غالب مردم شیعه در این کشور - که خود را در محور مقاومت علیه اشغال‌گران سرزمین‌های اسلامی تعریف نماید و در عین حال وفادار به ایران و حامی ارزش‌های شیعی و به‌خصوص حافظ حریمین ائمه بماند، برای ایران اسلامی بسیار مهم و حیاتی است. بنابراین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اقتضاء می‌کند تا در راستای افزایش مقبولیت داخلی خود و حمایت از مبانی مشروعیتی خود، مانع از تضعیف جایگاه و اهمیت شیعیان و احیاناً حکومت‌های شیعی در عراق گردد و این در واقع یک نیاز امنیتی هستی‌شناختی بر مبنای هویت اسلامی و ارزش‌های دینی است.

استراتژی مناسب برای نفوذ ایران در عراق

با توجه به ابعاد مختلف مطرح شده برای وابستگی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به امنیت ملی عراق و الزام ایران برای تامین امنیت ملی خود، حال این پرسش مطرح می‌شود که در وضعیت فعلی، ایران چگونه باید قدرت و نفوذ لازم برای تامین نیازهای امنیتی خود را به دست آورد؟ ساده‌ترین راه برای تامین این سطح از امنیت، تلاش برای کسب بیشترین میزان سود و منفعت ملی است که خود این مسئله نیاز به داشتن بیشترین میزان نفوذ و قدرت در عرصه‌های مختلف داخلی و

خارجی دارد. این نفوذ و قدرت می‌بایست با کمترین هزینه و بیشترین سود همراه باشد چرا که تنها در این صورت، امنیت‌آفرین خواهد بود.

در حال حاضر عرصه‌های مختلفی برای قدرت‌نمایی کشورها در مقابل هم، در راستای کسب نفوذ و قدرت وجود دارد. پرهزینه‌ترین و کلاسیک‌ترین شکل آن رودررویی و جنگ مستقیم است که عملاً هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و انسانی برای طرفین درگیر به بار می‌آورد. از این روی چندان مناسب نبوده و به نظر می‌رسد رفته رفته طرد خواهد شد. با این وجود تا به امروز یکی از اشکال رایج کسب نفوذ و قدرت برای کشورها بوده است.

عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و... بر خلاف عرصه نظامی از کم هزینه‌ترین عرصه‌ها برای نفوذ و قدرت‌طلبی بوده و در آینده در سطحی گسترده خواهند بود. در مناطق مختلف جهان متناسب با سطح آگاهی و پیشرفت جوامع، عرصه‌های مختلفی برای قدرت‌نمایی وجود دارد. جنگ جهانی اول، اروپا و آفریقا را به عرصه جنگ و رقابت‌های خونین علیه همدیگر تبدیل نمود. ولی رفته رفته اروپا متحول گردید، به طوری که جنگ از حالت ابزاری برای نفوذ و قدرت برای کسب منافع، جای خود را به رقابت‌های اقتصادی، سیاسی و علمی داد، ولی بر خلاف روند مطرح، در حال حاضر و به خصوص طی چند دهه گذشته مناطقی در قاره آفریقا و آسیا به عرصه جنگ و رقابت‌های خونبار برای کسب قدرت و نفوذ تبدیل شده‌اند. در این بین منطقه آسیای جنوب غربی از جایگاه متفاوت‌تری برخوردار است که علت این تفاوت، هم ریشه در موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه دارد و هم ریشه در فرهنگ آن.

با توجه به روندهای موجود در جهان -منظور روندهایی است که چگونگی کسب نفوذ و قدرت‌طلبی را نشان می‌دهند- که همگی حاکی از جایگزین شدن ابزارهای فرهنگی، اقتصادی و کمک‌های نظامی غیرمستقیم به جای دخالت و قدرت‌نمایی نظامی مستقیم است. به نظر می‌رسد بهترین استراتژی نفوذ در عراق در راستای تامین امنیت ملی، به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی و فرهنگی و در شرایط فعلی رساندن حمایت‌های نظامی غیرمستقیم به گروه‌های شیعی موافق با جمهوری اسلامی ایران است.

خاورمیانه، تروریسم و جنگ‌های داخلی

با اینکه همواره قدرت‌های فرامنطقه‌ای در شروع درگیری‌ها موثر و دخیل بوده‌اند اما خود منطقه نیز مستعد چالش و درگیری بین کشورها با همدیگر و در داخل آنها نیز بوده است. جنگ‌های قومی-مذهبی بارزترین و ملموس‌ترین شکل درگیری‌ها و جنگ‌ها به‌شمار می‌روند که ریشه‌دارترین جنگ‌ها از این عامل نشأت می‌گیرند. در کنار این مسئله، بحث مربوط به سرزمین‌های اشغالی نیز طی بیش از نیم قرن گذشته چالشی‌ترین و چه بسا خونین‌ترین موضوع منطقه بوده که تقریباً اغلب کشورهای مسلمان منطقه را درگیر نموده است. طی نیم قرن گذشته دو تحول مهم و خطرناک کشورهای منطقه و جهان را تحت‌الشعاع قرار داده است که عوامل بسیاری در ظهور و گسترش این دو دخیل هستند؛ تحول نخست پدیده تروریسم است که بیش از وجه منطقه‌ای دارای تصویری جهانی است و تحول دوم بروز و گسترش جنگ‌های داخلی است تروریسم در شکل افراطی خود نه تنها کل منطقه را با چالشی اساسی رودررو نموده بلکه جهان را نیز با چالشی مهم مواجه نموده است. در حال حاضر افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، سرزمین‌های اشغالی و... دستخوش تغییر و تحولات ناشی از پدیده شوم تروریسم هستند.

جنگ‌های داخلی به‌عنوان دومین ویژگی جالب و تاسف‌بار کشورهای آسیای جنوب غربی، ریشه در درگیری‌های قومی-مذهبی و رقابت برای کسب قدرت با تحریک نیروهای داخلی و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد که در حال حاضر عراق، افغانستان و سوریه به عرصه‌ای برای جنگ تمام عیار با میلیون‌ها کشته، زخمی و آواره تبدیل شده‌اند.

مقایسه جنگ داخلی در سه کشور افغانستان، سوریه و عراق

در میان این سه کشور، جنگ در افغانستان از قدمت بیشتری برخوردار است به طوری که درگیری بین نیروهای القاعده، طالبان، حکومت ملی و نیروهای مشترک فراملی، روندی قهقرایی به خود گرفته و در نتیجه باعث کشته شدن صدها هزار نفر و آواره و پناهنده شدن میلیون‌ها شهروند افغانی در کشورهای همجوار و سایر کشورها در اروپا، آمریکا و آسیا شده است. دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای کسب قدرت و نفوذ برای به دست آوردن بیشترین میزان منافع موجب پیچیده‌تر شدن مسئله گردیده است. مهم‌ترین نتیجه این جنگ داخلی، ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور بوده که خواسته و ناخواسته منجر به افزایش عدم قطعیت‌ها و ایجاد آینده‌ای مبهم و نامعلوم شده است.

جنگ داخلی در سوریه با دخالت کشورهای منطقه و تحریک کشورهای فرامنطقه‌ای آغاز شده و به یکی از خونبارترین و ویران‌ترین جنگ‌ها در چند دهه گذشته تبدیل شده است. جنگ حکومت مرکزی با گروه‌های معارض و شورشی داخلی، بر سر تقسیم قدرت و چه بسا تحویل قدرت از حزب فعلی، منجر به بر جای ماندن ویران‌شهرهایی خوفناک و ناامن گردیده است. دخالت کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تحولات جنگ داخلی سوریه، منجر به قهقرایی شدن و افزایش هزینه‌های انسانی و اقتصادی با آینده‌ای نامعلوم شده است. جنگ داخلی در این کشور و کشورهای مشابه اغلب دارای حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی است که متناسب با منافع خود از تضعیف دولت مرکزی یا برعکس تقویت و تثبیت آن حمایت می‌کنند. برای مثال در جریان جنگ داخلی سوریه عربستان سعودی همواره از حامیان اصلی گروه‌های شورشی و معارض داخلی بوده و جمهوری اسلامی ایران حامی دولت مرکزی فعلی به رهبری بشار اسد بوده است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون روسیه و ایالات متحده نیز به همین سان در راستای منافع خود و هم‌پیمانانشان از تضعیف یا تقویت یکی از طرفین حمایت کرده‌اند.

جنگ داخلی عراق در مقایسه با افغانستان و سوریه از چند ویژگی متمایز برخوردار است از جمله اینکه:

تعداد کنشگران و بازیگران داخلی به مراتب زیادتر است.

تقسیم قدرت بین اقلیت‌های مختلف قومی و مذهبی شامل کُردها، شیعیها، سنی‌ها و... منجر به افزایش کنشگران داخلی شده است. یکی از پیامدهای تعداد زیاد کنشگران داخلی عدم نیل به توافق در صورت بروز تنش و درگیری است همچنین تکرار منافع، زمانی که با مباحث قومیتی و مذهبی همراه گردد بیش از پیش مستعد اختلاف و درگیری است. ایجاد اجماع یا حفظ اجماع در یک چنین سیستمی به مراتب سخت‌تر از حالتی است که قدرت بین یک یا دو طرف تقسیم شده باشد. پیچیدگی وضعیت زمانی بیشتر خواهد شد که اشاره کنیم در عراق درون اقلیت‌های قومی-مذهبی نیز اختلاف‌نظرهای اساسی وجود دارد. برای مثال سنی‌ها در درون خود واحدی منسجم و منظم نیستند و به دسته‌های مختلفی که دارای دیدگاه‌های مدیریتی و مذهبی متفاوت و گاه متعارضی هستند تقسیم می‌شوند. شیعیان نیز همین‌طور دارای فرقه‌ها و گروه‌های متکثری در درون خود هستند که این مسئله بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید.

تعداد کنشگران و بازیگران بین‌المللی نیز به مراتب زیادتر است.

بر خلاف سوریه و افغانستان، تعداد کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی که به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تمایل به دخالت در اوضاع داخلی عراق دارند به مراتب بیشتر است. اغلب کشورهای منطقه و جهان اسلام نسبت به تغییر و تحولات در درون عراق حساسیت دارند. رقابت‌های مذهبی در عراق عامل اصلی تحریک این کشورها به ماجراجویی و دخالت است. مسائل قومی برای کشورهای همجوار ایران، ترکیه و سوریه مزید بر علت است تا منافع ملی و امنیت خود را در درون مرزهای از هم گسیخته عراق جستجو نمایند. عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام با منافع و امنیت بسیاری از کشورها مرتبط می‌باشد. برای کشورهای فرامنطقه‌ای استفاده ابزاری از اوضاع به هم ریخته عراق در راستای

تحدید قدرت همدیگر یا چانه‌زنی در حوزه‌های دیگر و چه بسا بهره‌گیری برای افزایش قدرت بین‌المللی خود می‌تواند جذابیت فراوانی جهت مداخله و ماجراجویی داشته باشد.

موقعیت ژئوپلیتیکی عراق در مقایسه با افغانستان و سوریه مهم‌تر است.

سومین عاملی که هم باعث پیچیده‌تر شدن اوضاع عراق شده و هم جذابیت مداخله و مشارکت در آینده عراق را برای کنشگران داخلی و به‌خصوص منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش داده است موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور است. دارا بودن ذخایر عظیم نفتی (بیش از ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت)، دارا بودن مراکز مهم زیارتی و سیاحتی، مطرح بودن به‌عنوان یکی از حلقه‌های محور مقاومت و یکی از حلقه‌های حلال شیعی و... باعث گردیده‌اند تا ژئوپلیتیک این کشور از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد.

داعش و جنگ داخلی در عراق

داعش نام اختصاری دولت اسلامی عراق و شام است. داعش یک گروه شورشی فعال در عراق و سوریه است که خود را کشوری مستقل دانسته و بخش‌هایی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جنگجویان سلفی جدانشده از شبکه القاعده تاسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و گروه‌های مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است.

داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرد. طی این حملات، ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند. در دی ۱۳۹۲/ ژانویه ۲۰۱۴ پس از به آتش کشیدن چادر معترضین در استان‌های سنی‌نشین عراق توسط نیروهای امنیتی و عقب‌نشینی ارتش از دو شهر رمادی و فلوجه، نیروهای دولت اسلامی عراق و شام از این فرصت استفاده کردند و نیمی از شهر فلوجه و قسمتی از شهر رمادی را به تصرف خود درآوردند و در این دو شهر به ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی مبادرت ورزیدند. عشایر عراق در نبود ارتش به مقابله با این گروه می‌پردازند. در نهایت، داعش توانست کنترل کامل فلوجه را در دست بگیرد ولی طی نبرد، سرکرده داعش در رمادی کشته و کنترل این دو شهر از دست آنان خارج شد، هرچند داعش برای فلوجه یک والی تعیین کرده است. پس از عقب‌نشینی داعش از این دو شهر در عملیات انتقام محمد در صحرای الانبار، نبرد میان عشایر منطقه، پلیس محلی، ارتش عراق، نیروهای داوطلب از دیگر مناطق عراق از یک طرف و نیروهای داعش از طرف دیگر در استان الانبار عراق در جریان است.

ارتش عراق در ۱۴ دی‌ماه اعلام کرد که پس از دو روز درگیری با اعضای داعش در رشته‌کوه حمیرین توانست آنان را از این منطقه بیرون براند. داعش نیز به طرف استان صلاح‌الدین عقب‌نشینی کرد. عناصر گروهک تروریستی داعش، پنجشنبه شب ۸ خردادماه ۱۳۹۳، ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی کُرد ساکن منطقه عین‌العرب که برای شرکت در امتحان نهایی عازم حلب بودند، ربودند. عناصر داعش در همان روز ۱۹۳ تن از شهروندان کُرد را نیز که ۱۷ تا ۷۰ سال سن داشتند، در منطقه قبا سین واقع در حومه شهر الباب در استان حلب ربودند و به جستجوی خانه‌به‌خانه این منطقه پرداختند.

داعش به‌قدری تندرو و سخت‌گیر است که با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله جبهه‌النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده و در فوریه ۲۰۱۴ ایمن الظواہری، رهبر القاعده به‌طور رسمی هر گونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است. داعش در سوریه متحمل شکست‌هایی در مقابل جبهه‌النصره شده است اما در ژوئن ۲۰۱۴ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خود درآورده است. داعش با هدف تشکیل دولت اسلامی عراق و شام علاوه بر موصل، مناطق تکریت، دهلاویه و یثرب را نیز به تصرف خود درآورده است. داعش صریحاً می‌گوید که هدفش تشکیل یک دولت اسلامی است. با کنترل مردم و تشکیل نوعی حکومت مطلقه، داعش می‌تواند از خود تصویر یک دولت نوظهور سایه در عراق را ترسیم کند و طبیعتاً درصدد گسترش آن به سوریه است که هم اکنون هم بسیاری از بخش‌های آن من جمله

شهر رقه را به تصرف خود درآورده است. این شهر را اکنون «قلب تپنده» گروه داعش می‌دانند. شهر رقه پایتخت خلافت اسلامی داعش نامیده شده است.

در ژوئن ۲۰۱۴، پنج هزار نفر از افراد مسلح داعش به طور کامل شهر موصل را به تصرف درآوردند و همه شهر را در اختیار گرفتند. این در حالی است که قبل از این آمار، تنها سه هزار نفر از نیروهای داعش در شهر مستقر بودند که ۲۵۰۰ نفر آنها از خارج از این استان آمده بودند و با سرویس‌های اطلاعاتی موجود در شهر موصل و ۵۰۰ نیروی دیگر موجود در این شهر توانستند شهر را به تصرف درآورند و نیروهای خود را افزایش دهند. این افراد، با حمله به زندان بادوش در نینوا، بیش از ۱۴۰۰ زندانی را آزاد کردند. افراد مسلح همچنین به زندان‌های اقلیت و زندان مدیریت مبارزه با تروریسم در این منطقه حمله کردند و ده‌ها زندانی را از این دو زندان آزاد کردند. همچنین، انبارهای ذخیره مواد تسلیحاتی استان الانبار، مراکز امنیتی و نظامی و ساختمان شعبه‌ای از بانک مرکزی در منطقه اللدواسه را در دست گرفتند.

افراد مسلح، با حمله به انبارهای سلاح، همه انواع سلاح‌های سنگین، از جمله بالگردها و خودروهای زرهی و تانک‌ها را تصاحب کردند. شورشیان، کنسولگری ترکیه را در این شهر تصرف کردند. در برخی عکس‌هایی که یکی از سایت‌های وابسته به داعش منتشر کرده است، داعشی‌ها، شیعیان غیرنظامی عراقی را به مکانی نامعلوم انتقال داده و در حالی که دست‌ها را بسته‌اند به رگبار می‌بندند. این گروه همچنین اقدام به انتشار تصاویری کرده که اعدام‌های میدانی به اجرا گذاشته شده توسط آنها علیه نیروهای پلیس عراق را نشان می‌دهد. در این تصاویر نشان داده شده که داعش با شلیک به سر اقدام به اعدام این نیروهای عراقی کرده است.

داعش در بیانیه‌ای در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، رسماً اعلام نمود که با حذف عبارت عراق و شام، نام خود را به دولت اسلامی تغییر داده و اعضای آن با خلیفه‌شان، ابوبکر بغدادی، بیعت نموده‌اند. آنها همچنین از آغاز دوران نوین جهاد جهانی خبر داده‌اند. بعد از اعلام رسمی خلافت توسط ابوبکر البغدادی تندروی‌های ایرن گروه رفته رفته افزایش یافت به طوری که برخی از مبلغین آنها از لزوم تخریب خانه خدا (کعبه) سخن به میان آورده و پرستش این خانه را تداوم بت‌پرستی عنوان نمودند. آنها از تخریب مرقد پیامبران، ائمه و بزرگان هیچ ترسی نداشته و طی مدت حضور نظامی خود در عراق و سوریه بارها و بارها به این امر مبادرت نموده‌اند و این مسئله بیش از پیش موجب خشم مسلمانان و نگرانی پیروان سایر ادیان شده است.

مناطق که با رنگ سیاه مشخص هستند مناطق تحت سیطره داعش، مناطق قرمز مناطق فعالیت‌های داعش و خطوط صورتی رنگ مسیرهای پشتیبانی و امدادسانی این گروهک را نشان می‌دهد.

داعش از نگاه کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

سازمان ملل متحد با انتشار گزارشی اعلام کرد: در نیمه اول سال ۲۰۱۴ میلادی، ۵ هزار ۵۷۶ شهروند عراقی در جریان حوادث خشونت‌بار در این کشور کشته و بیش از ۱۱ هزار و ۶۰۰ نفر نیز زخمی شدند. علاوه بر ۵ هزار و ۵۷۶ نفر از شهروندان عراق که جان خود را در خشونت‌های ۶ ماه اول امسال از دست داده‌اند، از آغاز حملات داعش به شهر فلوجه مرکز استان الانبار در ژانویه امسال نیز ۱۱ هزار و ۶۶۵ نفر نیز زخمی شدند. تروریست‌های تکفیری و بعثی ماه گذشته بر مناطق گسترده‌ای از شمال و غرب عراق به‌ویژه شهر موصل مرکز استان نینوا سیطره یافته‌اند.

سازمان ملل متحد مدتی قبل اعلام کرد از مجموع ۲۴۰۰ قربانی ماه ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، یک هزار و ۵۳۱ نفر غیرنظامی بوده‌اند. گزارش سازمان ملل، داعش را به نقض سازمان‌یافته قوانین بین‌المللی متهم کرده است. از زمان حملات سازمان‌یافته داعش به مناطقی در عراق، شمار قابل توجهی از شهروندان آواره شده‌اند. این در واقع موضع رسمی سازمان ملل و اکثر کشورهای تابع این سازمان نسبت به گروه داعش است که به صورت رسمی آنها را به نقش آشکار قوانین متهم نموده است.

علاوه بر نگاه و مواضع سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی نسبت به پدیده داعش، کنشگران مهم‌تر دیگری نیز نسبت به این گروه و تحولات اخیر عراق موضع‌گیری‌های شدیدتر و اقدامات عملیاتی‌تری داشته‌اند که به نظر می‌رسد در نهایت برآیند نیروهای این کنشگران، آینده این گروه نظامی و عراق را رقم خواهد زد.

گروه‌ها و احزاب شیعی

داعش به‌عنوان یک جریان افراطی سنی‌مذهب - که یکی از اهداف اصلی خود را تضعیف و حذف گفتمان شیعی در عراق و سوریه تعریف نموده است - به‌شدت از سوی احزاب و گروه‌های شیعی در عراق و شیعیان علوی در سوریه مطرود شده است. داعشی‌ها در بدو حمله و ورود نظامی خود به شهرهای شیعی‌نشین، اقدام به ترور نظامیان و افراد شاخص شیعی و تخریب اماکن شیعیان نمودند. در حال حاضر آنها در کنار گروه‌های بعثی و برخی سران و قبایل عشایری سنی‌مذهب، علیه حکومت شیعی عراق وارد جنگی تمام‌عیار شده‌اند. در حال حاضر در صحنه سیاسی عراق احزاب و گروه‌های شیعی زیر فعال هستند:

۱ - ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری المالکی نخست‌وزیر فعلی عراق

۲ - ائتلاف مواظن به ریاست عمار حکیم رئیس مجلس سابق

۳ - ائتلاف الحرار یا همان جریان صدر به ریاست مقتدای صدر

۴ - ائتلاف الصلاح و الوطنی به ریاست ابراهیم جعفری نخست‌وزیر سابق عراق

هر یک از این ائتلاف‌ها شامل تعداد بسیار زیادی گروه و حزب است که در صحنه سیاسی فعلی عراق حضور دارند. در کنار این احزاب و گروه‌ها، نیروی تاثیرگذار دیگری نیز حضور دارد که اغلب به‌صورت رهبر معنوی شیعیان عراق مطرح بوده و در برخی موارد نقش فصل‌الخطابی در مسائل عراق ایفا می‌کند. رهبر مذهبی شیعیان عراق؛ حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی در حال حاضر این نقش مهم و حساس را بر عهده دارد. در میان این احزاب و گروه‌ها شاهد اختلافات و واگرایی‌های گاه‌ها شدیدی در خصوص چگونگی مدیریت و نقش‌آفرینی در عراق هستیم. با اینکه تمامی این گروه‌ها و احزاب در ظاهر با پدیده داعش به‌شدت مخالف هستند، اما به دلیل اختلاف‌های درونی با همدیگر به نظر می‌رسد برخی از این احزاب بی‌تمایل به استفاده از سلاح داعش جهت تضعیف رقیب و تحمیل اراده خود نباشند. ائتلاف الحرار به ریاست مقتدای صدر مهم‌ترین جریان مخالف با نخست‌وزیر فعلی و برخی احزاب دیگر است که به نظر می‌رسد نگاه ابزاری به مسئله داعش دارد. ابزاری که قرار است تا از نخست‌وزیری مجدد نوری المالکی و قدرت گرفتن جریان وابسته به وی جلوگیری نماید. به همین منوال، نوع واکنش سایر احزاب و گروه‌های شیعی نسبت به داعش متفاوت بوده است شدیدترین مواضع نسبت به این جریان تروریستی از سوی مرجعیت شیعه و ائتلاف مواظن به ریاست عمار حکیم اتخاذ شده است. آیت‌الله سیستانی در نخستین روزهای درگیری با داعش حکم جهاد علیه این گروه صادر و حکیم ضمن دعوت از اقشار مردم در مبارزه با داعش راسا اقدام به رزم در میدان مبارزه با این گروه گرفت.

گروه‌ها و احزاب کُرد

بسیاری از تحلیلگران معتقدند برنده نهایی بحران‌های اخیر عراق، کردها خواهند بود چرا که وضعیت فعلی عراق، خواه یا ناخواه منجر به تضعیف دولت مرکزی به ریاست شیعیان و آسیب دیدن هر دو گروه سنی و شیعه در صحنه سیاسی عراق خواهد شد و این می‌تواند فرصت و موقعیت کافی جهت قدرت‌گیری و انضمام، بخشی از خاک مورد مناقشه عراق به حکومت خودمختار کردستان در اختیار کردها قرار دهد. بر همین اساس و به دنبال حمله داعش به بخش‌های وسیعی از خاک عراق، پیش‌مرگه‌های کرد به فرماندهی «جبار یاور» کنترل شهر نفت‌خیز کرکوک را در اختیار گرفتند. این مسئله باعث گردید تا فرصت مناسبی در اختیار کردها قرار گیرد به طوری که مسعود بارزانی رئیس منطقه خودمختار کردستان اعلام کرد

که دیگر حاضر نیست این شهر نفت خیز را به حکومت مرکزی برگرداند. همچنین جلال طالبانی رئیس‌جمهور عراق نیز طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل خواستار برگزاری فراندی بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، در کرکوک و برخی از شهرهای دیگر همچون نینوا و صلاح‌الدین جهت انضمام به خاک کردستان عراق شد.

با اینکه کردها در ظاهر از امنیت و نظم در عراق حمایت می‌کنند و خواستار پایان یافتن غائله داعش در عراق هستند و در برخی موارد نیز با این گروه برخوردهایی داشته‌اند -چرا که داعشی‌ها در ابتدای کار خود نه تنها اقدام به قتل‌عام شیعیان نمودند بلکه با ربودن بیش از ۱۷۰ دانش‌آموز کرد عراق و درگیری مرزی با پیش‌مرگه‌ها موجب بدبینی و ترس در درون حکومت خودمختار شدند- اما مواضع و سیاست‌های کلی کردها حاکی از آن است که نسبت به داعشی‌ها نگاهی ابزاری دارند. آنها از تضعیف حکومت مقتدر مرکزی به ریاست شیعیان و سنی‌ها استقبال می‌کنند و در عین حال مواضع‌شان حاکی از تلاش برای نیل به هدف اصلی‌شان، یعنی استقلال کردستان با بیشترین زمین و منابع زیرزمینی است. آنها در برابر داعشی‌ها موضع‌ای انفعالی در پیش گرفته و حاضر به حمایت از حکومت مرکزی جهت تضعیف این گروهک نیستند و با اتخاذ مواضع دوپهلوی و مبهم از درگیری مستقیم و دخالت فعال در وضعیت فعلی سرباز می‌زنند.

گروه‌ها و احزاب سنی

گروه‌ها و احزاب اصلی سنی‌مذهب در سال‌های اخیر با حمایت برخی کنشگران منطقه‌ای زیر یک ائتلاف گسترده تحت عنوان ائتلاف فراگیر العراقیه (میهنی عراق) به ریاست ایاد علاوی و بعدها در سه گروه و ائتلاف مجزا تحت عناوین الوطنیه به رهبری ایاد علاوی، جریان المتحدون به رهبری اسامه نجیفی و ائتلاف العربیه به رهبری صالح مطلق در صحنه سیاسی عراق حضور پیدا کردند. اختلافات اصلی گروه‌های سنی‌مذهب با اکثریت شیعیان مربوط به ماهیت سنی صدام حسین و جریان بعثی حامی وی و بعدها مربوط به اختلافات نوری المالکی با معاون سنی‌مذهب خود یعنی طارق الهاشمی بود که بعدها دامنه اختلافات به مسائل منطقه‌ای و دخالت کنشگران منطقه‌ای کشیده شد. بسیاری از تحلیلگران داعش را تداعی اختلافات مذهبی بین شیعیان و سنی‌ها در صحنه سیاسی عراق می‌دانند و بر این اساس حامیان اصلی این گروه را احزاب سنی‌مذهب و کنشگران منطقه‌ای مثل عربستان و قطر می‌دانند.

احزاب و گروه‌های سنی‌مذهب بر خلاف برخی جریان‌های شیعی و کردها که نگاه ابزاری به داعشی‌ها دارند به نظر می‌رسد امیدواری بسیاری به موفقیت این گروه در صحنه نظامی و سیاسی عراق دارند. احزاب و گروه‌های سنی‌مذهب در ابتدای پیشروی داعش تلاش بسیاری در راستای دادن فرصت و فضا جهت پیشروی فراهم نمودند، آنها با ایجاد اختلاف در فرایند تشکیل مجلس و دولت جدید توانستند مانع از عملکرد منسجم در مقابل این معارضین شوند. خبرگزاری دوپچه‌وله در تحلیلی ضمن پرداختن به همین موضوع از مشارکت گسترده سیاستمداران و علمای سنی عراقی در پیشروی داعشی‌ها در راستای تضعیف شیعیان خبر داد و مدعی شد حیات و ممات داعش در عراق بیشتر مربوط به فعالیت‌های گروه‌ها و احزاب سنی‌مذهب است تا خواست و اراده شیعیان.

ترکیه

ترکیه را باید بعد از ایران یکی از مهم‌ترین کنشگر خارجی در عرصه نظام سیاسی عراق به حساب آورد. حضور کردهای معارض در مرزهای دو کشور، مسئله کرکوک، تلاش ترکیه برای کسب نفوذ مذهبی در منطقه و همچنین نفوذ پرننگ ایران در عراق باعث گردیده است تا ترک‌ها نسبت به دخالت و حضور موثر در مسائل عراق حساس‌تر گردند. اغلب تحلیلگران معتقدند رفتار تقریباً متعارض ترکیه در مقابل داعش در دو کشور سوریه و عراق ناشی از همین مسائل و موضوعات است. برخی اظهارنظرها حاکی از توافقی غیر علنی بین داعشی‌ها با سازمان‌های امنیتی ترکیه در خصوص نحوه فعالیت در سوریه

است، این در حالی است که داعشی‌ها پس از پیشروی در خاک عراق در چند نقطه مرزی ضمن درگیری با نیروهای ترکیه به این کشور اعلان جنگ کردند.

داعشی‌ها در بدو ورود به شهر موصل و تصرف این شهر با تسخیر کنسولگری کشور ترکیه ۴۹ تبعه ترک را به اسارت گرفتند در عین حال از رجب طیب اردوغان خواستند تا با خلیفه مسلمین (ابوبکر البغدادی) بیعت کند. در درون ترکیه واکنش‌ها نسبت به داعشی‌ها متفاوت است، شیعیان از عملکرد دولت به شدت ناراضی هستند و لاییک‌ها نگاه ابزاری به فعالیت این گروه دارند، دولت نیز مواضع گاه متناقضی در خصوص فعالیت این گروه اتخاذ می‌نماید. از نگاه دولت تضعیف گروه‌های شیعی در داخل خارک عراق پدیده‌ای میمون و مناسب است چرا که مانع از تقویت مواضع ایران و سوریه در داخل عراق می‌شود اما در عین حال اختلاف در عراق موجب تقویت کردها شده که این موضوع خطر تجزیه برای ترکیه را افزایش داده است.

در مجموع به نظر می‌رسد دولت فعلی ترکیه به دلیل حمایت رسمی از داعشی‌ها در سوریه، نتواند و نمی‌خواهد که موضع خاصی در برابر عملکرد این گروه در عراق داشته باشد و بیشتر ترجیح می‌دهد تا با نگاهی ابزاری به این گروه، قدرت چانه‌زنی خود را در داخل عراق افزایش دهد.

عربستان و قطر

بی‌شک دو کشور سنی‌مذهب عربستان و قطر را باید دو کنشگر اصلی و فعال در بسیاری از مسائل منطقه‌ای طی چند سال اخیر به حساب آورد. مهم‌ترین عرصه و صحنه نقش‌آفرینی این دو کشور را باید جنگ داخلی سوریه و اخیراً در جنگ داخلی عراق به حساب آورد؛ حمایت‌های مستقیم مالی، تسلیحاتی و نظامی به داعشی‌ها در صحنه سوریه باعث گردید تا برخی رهبران منطقه‌ای موضع‌های تند علیه این کشورها اتخاذ نمایند. از این روی بشار اسد جنگ داخلی سوریه، نه جنگ نیروهای داخلی سوریه بلکه جنگ تروریست‌های عربستانی و مزدورهای آمریکایی اسرائیلی عنوان نمود. بر خلاف ترکیه مواضع عربستان و قطر در خصوص فعالیت گروه‌های داعشی تا حدودی شفاف و آن حمایت از این گروه در راستای تقویت مواضع سنی‌ها و تضعیف مواضع شیعیان است. اما در این میان برخی مواضع رهبران داعشی در مقابل این دو کشور قدری عجیب به نظر می‌رسد. اعلام ضرورت تخریب خانه کعبه از سوی رهبران داعشی و اعلام جنگ غیر رسمی به این دو کشور این فرضیه را تقویت می‌نماید که داعش یک گروه خودمحموری است که صرفاً به دلیل منافع مشترک با این دو کشور در سوریه و عراق با آنها همراستا شده است.

در خصوص مواضع و نگاه این دو کشور منطقه‌ای به گروه داعش و سایر گروه‌های معارض در سوریه و عراق، دو فرضیه اصلی مطرح است، نخست اینکه در راستای تقویت جریان‌های سنی‌مذهب و افزایش نفوذ و قدرت در منطقه، این دو کشور امید بسیاری به موفقیت این گروه در سوریه و عراق بسته است (در راستای تضعیف ایران) و دوم اینکه هم عربستان و هم قطر نگاهی ابزاری نسبت به گروه داعش داشته و در تلاش هستند تا از این طریق هم مواضع سنی‌ها را تقویت نمایند و هم قدرت چانه‌زنی و فرصت‌های نفوذ و دخالت خود در این دو کشور جنگ‌زده را افزایش دهند که با توجه به شواهد و قرائن فرضیه دوم اصولی‌تر و معقولانه‌تر به نظر می‌رسد.

ایران و سوریه

بی‌شک ایران را باید تاثیرگذارترین کشور منطقه‌ای در تحولات عراق و سوریه به حساب آورد. دلایل این امر بسیار مشخص و شفاف در بخش‌های قبلی توضیح داده شده است. بر همین اساس مهم‌ترین مخالفان پیدایش و قدرت‌گیری داعشی‌ها را باید ایران در نظر گرفت. مواضع رهبران و احزاب سیاسی فعال ایرانی در مقابل این گروه، از برخورد و رودرویی مستقیم با این گروه در قالب احکام جهادی تا برخورد غیرمستقیم با این گروه در داخل ایران متغیر است. از آنجایی که سوریه خود

به صورت مستقیم با این گروه درگیر نزاعی خونین است، در تحولات مربوط به عراق نمی‌تواند نقش آفرینی قابل توجهی داشته باشد. مواضع رهبران و سیاستمداران ایرانی در مقابل این گروه شفاف و روشن است تنها تفاوت در نوع برخورد با آنها است. برخی از مراجع تقلید ایرانی حکم بر جهاد با این گروه داده‌اند، در عین حال شنیده‌ها حاکی از حضور برخی رهبران نظامی ایرانی در داخل خاک عراق برای حمایت از حکومت مرکزی جهت حفظ مواضع و استحکامات نظامی در قالب مشاوره نظامی است.

ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا را باید تنها قدرت بزرگ جهانی حاضر در بحران اخیر عراق در نظر گرفت که به صورت مستقیم در مسائل عراق دخالت می‌نماید. مواضع این کشور در برابر داعشی‌ها مثل مواضع ترک‌ها، قدری متناقض است؛ آنها با حمایت مالی و نظامی خود از داعشی‌ها در سوریه حمایت می‌کنند و در عین حال از پیشروی داعشی‌ها در عراق و خطر تجزیه این کشور نگرانند. جان کری وزیر امور خارجه این کشور ضمن حمایت از تمامیت ارضی عراق و عدم پذیرش عراق تجزیه شده، از رهبران عراقی می‌خواهد تا هر چه زودتر آرامش را به کشور بازگردانند. در روزهای اول پیشروی داعشی‌ها، آمریکایی‌ها با بازگرداندن ۴۰۰۰ نفر از سربازان خود به عراق ادعا می‌کنند که هدفشان حفاظت از امنیت مردم عراق و تمامیت ارضی آن در مقابل گروه‌های معارض است.

نوام چامسکی زبان‌شناس و تحلیلگر مسائل بین‌المللی، در تحلیلی مفصل از قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی و رهبران جهان اسلام می‌خواهد تا به صورت متحد در مقابل داعش در عراق مقاومت نمایند. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا یک روز بعد از درخواست کمک عراق از این کشور برای مبارزه با داعش اعلام کرد که هیچ کمک نظامی به این کشور فایده‌ای نخواهد داد، مگر اینکه همراه با طرحی سیاسی باشد که عراقی‌ها ارائه می‌دهند. وی گفت که عراقی‌ها باید تصمیمات سختی بگیرند و به راهکاری میانه برای حفاظت از وحدت کشور خود برسند. اوباما سستی نیروهای عراقی را سهل‌انگاری در هماهنگی‌های امنیتی با نیروهای آمریکایی دانست که در توافقنامه امنیتی مشترک بین دو کشور به آن اشاره شده است. با اینکه نظرسنجی از مردم آمریکا نشان می‌دهد که بیش از دو سوم مردم از برخورد و حذف داعش حمایت می‌کنند اما تعلق آمریکایی‌ها و مواضع رهبران آن، مانع از تحقق یک چنین امری است. با اینکه داعشی‌ها آمریکا و اسرائیل را دشمنان اصلی خود می‌دانند اما آمریکایی‌ها چنین موضعی در برابر داعشی‌ها نداشته و بیشتر نگاهی ابزاری به این گروه دارند که می‌تواند از آنها به صورت ابزاری برای تامین منویات خود در سوریه و فشار به هلال شیعی و محور مقاومت بهره ببرند.

داعش و آینده‌های بدیل برای عراق

از سال ۲۰۰۶ به بعد که جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا شرط بقا و امنیت در عراق را فدرالیسم سه بخشی (شمال در اختیار کردها، شمال غرب و استان‌های سنی‌نشین مرکز در اختیار گروه‌های سنی و جنوب در اختیار شیعیان) عنوان نمود، مباحث بسیاری حول آینده عراق شکل گرفت. رهبران سنی‌مذهب همواره از این موضوع به عنوان ابزاری فشاری برای محدود کردن نورالمالکی و تضعیف وی در صحنه سیاسی بهره برده‌اند؛ برای مثال ایاد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق اخیراً اعلام کرده است که عراق به سمت تجزیه و فروپاشی پیش می‌رود و این نتیجه سیاست‌های مالکی است. در این بین کردها بیش از هر گروهی از مباحث جو بایدن استقبال نموده و از هر فرصتی برای استقلال استفاده می‌کنند.

پس از آنکه ارتش عراق اواسط ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ به دنبال حملات گسترده شبه‌نظامیان دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» از شهر کرکوک خارج شد، نیروهای پیش‌مرگه حکومت اقلیم کردستان عراق کنترل این شهر نفت‌خیز را به دست گرفتند. بارزانی تأکید کرد: «پیش‌مرگه‌های کرد از مناطقی که اکنون تحت کنترل آنهاست خارج نخواهند شد». پیشتر بارزانی

با ادعای این مسئله که کرکوک جزو منطقه کردستان عراق است گفته بود که «اقلیم کردستان عراق مجبور نیست بهای سیاست‌های اشتباه بغداد را بپردازد».

مسعود بارزانی رهبر منطقه کردستان عراق قویا اشاره کرد که برای کسب استقلال رسمی از باقی عراق تلاش خواهد کرد. او در مصاحبه‌ای گفت: «معلوم است که عراق دارد از هم می‌پاشد... وقت آن است که مردم کردستان آینده خود را تعیین کنند و تصمیم مردم هرچه باشد آن را اجرا خواهیم کرد». نجیروان ادیس بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم خودمختار کردستان عراق هم گفت که ممکن است همه عراق نتواند در آینده به صورت یک کشور باقی بماند همچنین بازگشت به شرایط پیش از پیروزی‌های داعش بسیار دشوار خواهد بود. در ۱۲ تیر ۱۳۹۳ مسعود بارزانی، از پارلمان این اقلیم خواست برای برگزاری همه‌پرسی درباره استقلال کردستان از عراق تاریخ تعیین کند. وی گفت: «آنچه در کشور به وقوع می‌پیوندد نشان‌دهنده شکست سیاست‌های نوری مالکی نخست‌وزیر عراق است، ما ۶ ماه پیش به نوری مالکی هشدار دادیم اما او به هشدارهای ما گوش نداد و این هم نتایج آن است». بارزانی گفت: «برای تعیین سرنوشت ملت کرد از حمایت‌های بین‌المللی برخورداریم و آنهایی که از ما حمایت نمی‌کنند نیز دشمن ما نیستند».

طرح‌های بسیاری برای آینده عراق توسط رسانه‌ها و سیاستمداران داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شده است. ایالات-متحده آمریکا به عنوان یکی از کنشگران اصلی صحنه سیاسی عراق و آینده تحولات این کشور، در ظاهر از عراق یکپارچه و متحد حمایت می‌کند. اخیرا باراک اوباما، آینده عراق را در دستان گروه‌های داخلی این کشور عنوان نمود که البته این بر خلاف سخنانی است که رایان کراکر سفیر سابق آمریکا در عراق در خصوص تجزیه عراق و حمایت کشور متبوعش از این اتفاق ابراز نموده بود. در ظاهر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بنیامین نتانیاهو تنها کسی است که از تجزیه عراق استقبال نموده است. با توجه به شدت گرفتن مباحث مربوط به آینده عراق، آن هم پس از پیشروی داعشی‌ها، تمامی کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متناسب با منافع خود در تلاشند تا بهترین حالت ممکن را در صورت تجزیه این کشور رقم زنند که متضمن بیشترین منافع برای آنها باشد. می‌توان حالت‌های متنوعی برای آینده عراق تصور نمود؛ آینده‌های بدیلی که هر یک به فراخور میزان امکان قابلیت عینی‌بخشی و عملیاتی شدن را دارند. ایران به عنوان کشوری که بیشترین پیوستگی و وابستگی امنیتی را با عراق دارد در مقایسه با دیگر کنشگران نسبت به مسائل و آینده این کشور حساس بوده و از این روی نیازمند فهم احتمالات آینده جهت کنشگری مناسب در حال و آینده است. در زیر به برخی از مهم‌ترین آینده‌های بدیل برای عراق با در نظر گرفتن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

تجزیه عراق (حکومت کردستان، حکومت شیعیان، حکومت اسلامی اهل تسنن)

یکی از آینده‌های بدیل برای عراق می‌تواند با فرض تجزیه کشور به سه قسمت عمده کردنشین، سنی‌نشین و شیعه‌نشین شکل گیرد. این در حالی رخ خواهد داد که رفته رفته اختلافات گروه‌ها و جریان‌های شیعی و سنی افزایش یافته و کردها از این وضعیت به نفع خود بهره برده و اعلام استقلال نمایند، که در این صورت و با وجود تسلط داعش بر برخی استان‌ها به نظر می‌رسد برخی سیاستمداران اهل سنت با گرایش به سمت این حکومت، تشکیل حکومتی سنی‌مذهب را بدهند، که نتیجه آن تشکیل حکومت سوم یعنی حکومتی شیعی خواهد بود. با اینکه تجزیه عراق با مقاومت‌های شدیدی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی همراه بوده و خواهد بود اما برخی نیروهای تاثیرگذار داخلی و بین‌المللی از این امر استقبال خواهند نمود؛ برای مثال تجزیه عراق به نفع عربستان، قطر و اسرائیل خواهد بود چرا که این تجزیه خطر تجزیه ایران، ترکیه و سوریه را افزایش خواهد داد و این یعنی تضعیف رقیب.

برای ایالات‌متحده آمریکا نیز تجزیه عراق به سه بخش مجزا، امری قابل قبول است چرا که در این حالت هم می‌تواند رضایت رژیم صهیونیستی را داشته باشد و هم اینکه با سه کشور کوچک و ضعیفی که امنیت خود را در ادامه تا حدودی

محتاج ایالات متحده خواهند بود، روبه‌رو خواهد شد که این مسئله بر میزان نفوذ و قدرت این کشور در بلندمدت خواهد افزود.

فدرالیسم جو بایدنی (کردستان خودمختار، ایالت سنی‌ها، ایالت شیعیان)

به نظر می‌رسد این آینده بدیل از مقبولیت بیشتری در محافل بین‌المللی و نزد قدرت‌های بزرگی همچون ایالات متحده برخوردار است، چرا که هم مانع از به چالش کشیده شدن کل منطقه به خاطر تجزیه عراق شده و هم حالتی موجه‌تر و دموکراتیک‌تر دارد، در عین حال قدرت چانه‌زنی کشورهایایی مثل عربستان، قطر، رژیم صهیونیستی و ترکیه و ایالات متحده را افزایش می‌دهد. این تصویر در حالتی رخ خواهد داد که داعش همچنان به صورت قدرتمند در صحنه سیاسی-نظامی عراق حضور پیدا کرده و به دلیل تداوم بی‌نظمی در کشور و فشار اجتماعی و بین‌المللی گروه‌های داخلی به توافقی جامع در راستای تغییر قانون اساسی دست یابند که نتیجه آن برپایی نظام فدرالی در عراق است. نظام فدرالی می‌تواند الگوی مناسب و جذابی برای اقلیت‌های منطقه باشد، از این روی به نظر می‌رسد حمایت‌های بیشتری در مقایسه بدیل تجزیه داشته باشد.

تداوم وضعیت موجود، سه عراق بی‌ثبات (اقلیم کردستان، حکومت مرکزی، حکومت اسلامی داعش)

یکی از آینده‌های بدیل عراق در کوتاه‌مدت و چه بسا بلندمدت می‌تواند این باشد که وضعیت موجود تداوم پیدا کند. در این تصویر داعش همچنان با ارتش عراق در جنگ و درگیری به سر خواهد برد، اختلافات درون‌حاکمیتی بین شیعیان، کردها و سنی‌ها ادامه خواهد یافت و رفته رفته کردها به مناطق بیشتری دسترسی خواهند داشت، جنگ در عراق شکل فرسایشی به خود خواهد گرفت و هزینه‌های جنگ داخلی تمامی طرفین را متضرر خواهد نمود. کشورهای منطقه نیز از این وضعیت متضرر شده و به دلیل دخالت‌های بیش از حد در عرصه جهانی چهره نامناسبی پیدا خواهند کرد.

در خصوص ایالات متحده آمریکا، دو رویکرد به تقابل با هم خواهند پرداخت، رویکردی که معتقد خواهد بود نبود نیروهای نظامی آمریکا منجر به وضعیت فعلی شده و رویکردی که وضعیت فعلی را نتیجه دخالت آمریکا در عراق خواهد دانست. تداوم وضعیت فعلی می‌تواند کل منطقه را دائماً مستعد بی‌نظمی و ناامنی نماید و چه بسا رفته رفته امنیت انرژی در منطقه را نیز متاثر نماید. دامنه درگیری‌ها به کشورهای منطقه نیز کشیده شود. ترکیه در این حالت در خطر عملیات‌های تروریستی قرار خواهد گرفت. خطر درگیری‌های مرزی برای ایران و کویت و... ایجاد خواهد شد.

عراق یکپارچه خودمختار (سرکوب داعش و بازگشت وضعیت قبل از بحران)

تصویر عراق یکپارچه، تصویری است بدون داعش و قدرت‌گیری مجدد شیعیان در عراق. در این تصویر حاصل توافقات داخلی عراق، یا غلبه یک‌جانبه دولت مرکزی بر وضعیت فعلی، حذف داعش از صحنه سیاسی-نظامی و بازگشت وضعیت قبلی، یعنی عراق یکپارچه با حکومتی نیمه خودمختار برای کردها زیر نظر قانون اساسی است. در این حالت، حاصل توافقات داخلی یا قدرت‌گیری مجدد شیعیان بدون دادن امتیاز به کردها و سنی‌ها، علاوه بر اینکه حذف داعش از عراق خواهد بود خطر تجزیه و فدرالیسم را نیز از عراق دور خواهد نمود. این وضعیت زمانی ایجاد خواهد شد که ۱- یا گروه‌های داخلی با همدیگر بر سر توزیع قدرت به توافق رسند و یا ۲- انسجام داخلی شیعیان باعث حذف داعش و در نتیجه سلطه یافتن بر فضای سیاسی-امنیتی داخل کشور شود.

مخالفت‌های مهمی با این تصویر، هم در داخل عراق و هم در خارج از عراق وجود دارد، چرا که همه حمایت‌ها و تلاش‌های داخلی در راستای برهم خوردن وضعیت قبلی عراق صورت گرفته است. این حالت یعنی بازگشت یک عراق قدرتمند با سلطه نسبی شیعیان، مطلوب‌ترین حالت برای جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت و هلال شیعی خواهد بود. اما مخالفت‌های داخلی و خارجی مانعی بزرگ در مسیر تحقق این تصویر خواهد بود. در این تصویر کردها مجدداً به وضعیت

محافظه‌کارانه خود بازخواهند گشت و بیش از آنکه سخن از استقلال و تجزیه و انضمام بخش‌های بیشتری به خاک عراق به میان آورند، تلاش خواهند نمود تا در توزیع قدرت سهم بیشتری به خود تخصیص دهند و در عین حال نفوذ بیشتری در داخل عراق به دست آورند.

استراتژی‌ها و سیاست خارجی مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران

اقتضای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، هم جلوگیری از مخاطرات احتمالی برای امنیت ملی کشور اعم از مخاطرات ارضی و هستی‌شناختی است و هم تامین پیش‌دستانه امنیت ملی در فراسوی مرزهای خود است. از این روی هر یک از تصاویر و آینده‌های بدیل ارائه‌شده برای عراق، مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار باشد. در وضعیت فعلی که منطقه حالت ویژه‌ای به خود گرفته و برخی تغییر و تحولات در جهان در حال رخ دادن است و با افزایش قدرت برخی قدرت‌های بزرگ بحث به چالش کشیده شدن هژمونی آمریکا مطرح شده است، سیاست خارجی و استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران با اصل قرار دادن «افزایش قدرت در منطقه» می‌بایست ضمن حفظ پوشش مناسب جهت جلوگیری از فضاسازی رسانه‌ای تلاش برای کسب بیشترین میزان نفوذ و قدرت‌گیری در کشورهای منطقه باشد.

نگاه ما در سیاست خارجی نسبت به آینده‌های بدیل عراق و تصاویر احتمالی این کشور، باید نگاهی فرصت‌محور باشد، به این معنا که در وهله نخست به این نتیجه برسیم که هر تصویر و آینده بدیلی که برای عراق اماکن رخ دادن دارد در عین حال می‌تواند تهدیدهای علیه امنیت ملی ما با خود به همراه داشته باشد اما فرصت‌هایی نیز با خود خواهد داشت. در وهله دوم باید به این نتیجه در سیاست خارجی و استراتژی‌های منطقه‌ای خود برسیم که ما قابلیت تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را متناسب با میزان توجه و میزان نفوذ و تلاش خود خواهیم داشت و در نهایت اینکه به میزانی که برای خلق آینده بدیل و تصویر مطلوب خود -البته با در نظر گرفتن مقدرات و محذورات- برای عراق تلاش نماییم، به همان میزان آن تصویر و آینده ایجاد خواهد شد. پس باید برای ساخت آینده مطلوب در عراق تلاش نماییم.

در تصویر و بدیل نخست برای آینده عراق که با فرض تجزیه این کشور تجسم شده است، تهدیدی که علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح است افزایش خطر تجزیه از سوی کردها است و در عین حال تضعیف احتمالی محور مقاومت، همچنین خطر یک حکومت افراطی سنی‌مذهب را نیز در این حالت باید در همسایگی خود پذیرفت. اما در کنار این مخاطرات، می‌توان حکومت کوچک اما قدرتمند شیعی دیگری را تجسم نمود که به صورت کامل تحت حمایت ایران اسلامی قرار دارد، چه بسا با حضور رهبریت معنوی آیت‌الله سیستانی شاهد الگوبرداری شیعیان عراقی از مدل حکومتی ایران اسلامی باشیم. در این حالت دیگر دغدغه بی‌احترامی به اماکن مذهبی و جریحه‌دار شدن احساسات و تهدید امنیت هستی‌شناختی شیعیان را نیز نخواهیم داشت. در عین حال در صورت کنترل کردهای کشور خودمان می‌توانیم نفوذ بالایی نیز در کردستان عراق داشته باشیم.

تصویر دوم دوباره برخی از مخاطرات تصویر و بدیل نخست را با خود به همراه دارد و ضمن به همراه داشتن نقاط قوت تصویر نخست این ویژگی مهم را نیز با خود دارد که به دلیل اکثریت شیعیان عراقی در تدوین قانون اساسی جدید می‌توان قوانین فدرالی را به نفع شیعیان تدوین و در نتیجه مجدداً قدرت بیشتری در اختیار شیعیان قرار گیرد؛ که در این حالت هم بر اساس قوانین فدرالی و هم بر اساس قوانین ایالتی می‌توانیم ضمن نفوذ در ایالت شیعه‌نشین از ابزارهای قانونی برای دخالت در کل عراق نیز بهره بگیریم.

هم در تصویر اول و هم در تصویر دوم در صورتی که بتوانیم اوضاع داخلی خود را بهتر مدیریت نماییم می‌توانیم در صورت تجزیه یا فدرالی شدن عراق از این امر به صورت ابزار فشاری علیه رقبای منطقه‌ای خود نیز بهره ببریم.

در تصویر و بدیل سوم، امنیت ملی ما از آن روی که کشوری بحران‌زده و مبتلا به جنگ داخلی - که با ما بیش از ۱۴۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد - در همسایگی ما قرار دارد، تهدید می‌شود. همچنین دائما خطر حمله به اماکن مقدس ما در عراق و چه بسا کشیده شدن وضعیت جنگ و درگیری به داخل خاک ما نیز وجود دارد. اما حتی در این وضعیت نیز همه چیز تهدیدی علیه امنیت ملی ما به‌شمار نمی‌رود. این وضعیت می‌تواند دست ما را برای دخالت در بلندمدت در وضعیت بحران‌زده عراق باز بگذارد به طوری که با قدری دقت به راحتی بتوانیم از خاک آشوب‌زده عراق برای حمایت از سوریه، حزب‌الله و گروه‌های مقاومت استفاده نماییم؛ که این به معنای باز شدن دلانی برای ایران جهت دسترسی آسان به اعماق منطقه است. جنگ فرسایشی می‌تواند در بلندمدت رقیب بین‌المللی یعنی ایالات متحده را فرسوده و نسبت به وضعیت عراق آسیب‌پذیر نماید. همچنین تداوم وضعیت موجود می‌تواند فضا را برای مقابله آسان‌تر با افراطی‌های سنی مذهب باز نگه دارد، همچنین ارائه تصویری خشن از وهابیت و فرقه‌های افراطی اهل تسنن که دائما بر طبل ناسازگاری و جنگ با شیعیان می‌کوبند.

در بدیل چهارم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کمتر دستخوش تغییر و تحول خواهد شد البته این در حالتی است که بازگشت به عراق قبل از بحران داعش، تحت آشتی ملی و توافق گروه‌های سه‌گانه قدرت در داخل عراق صورت گیرد، چرا که در صورت بازگشت کشور به وضعیت قبل از بحران، آن هم با حمایت قاطع ایران از گروه‌های شیعی، در واقع ایران به‌عنوان ناجی عراق نفوذ و سیطره بیشتری یافته و ضمن برانگیختن خشم قدرت‌های منطقه‌ای و کنشگران مخالف داخلی، فضای بیشتری برای قدرت‌نمایی در داخل عراق خواهد داشت.

در هر صورت تلاش جمهوری اسلامی ایران، تامین بیشترین میزان امنیت ملی خود و بیشترین نقش‌آفرینی در راستای کسب نفوذ و قدرت برای نیل به اهداف سیاست خارجی خود است. هر یک از این تصاویر و بدیل‌ها می‌توانند تأثیرات منفی و مثبتی در این راستا بر امنیت ملی داشته باشند. نگاه سیستمی به این بدیل‌ها بهتر می‌تواند ما را در درک مناسب‌تر اوضاع راهنمایی و هدایت نماید.

نتیجه

اقتضای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، هم جلوگیری از مخاطرات احتمالی برای امنیت ملی کشور اعم از مخاطرات ارضی و هستی‌شناختی است و هم تامین پیش‌دستانه امنیت ملی در فراسوی مرزهای خود است. عراق به‌عنوان کشوری با بیشترین مرزهای زمینی مشترک با ایران و بیشترین وابستگی فرهنگی - مذهبی با کشورمان، در حال حاضر در وضعیتی بحرانی با جنگی فرسایشی در داخل خود با گروه‌های افراطی مذهبی به سر می‌برد. حکومت مرکزی در این کشور رفته رفته تضعیف و چشم‌انداز نیل به یک توافق جامع داخلی بعید به نظر می‌رسد. قدرت‌های منطقه‌ای هر یک به فراخور منافع ملی خود در تلاش برای ایجاد وضعیتی مطلوب در این کشور هستند، کشورهایی همچون ایران، عربستان، ترکیه، قطر، سوریه، ایالات - متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌صورت فعال در تحولات داخلی عراق نقش‌آفرینی نموده و هر یک در پیوندی مبتنی بر منفعت با یکی از گروه‌های شیعی، سنی یا کردها هستند.

گروه‌ها و احزاب داخلی در عراق متناسب با منافع خود و تحت تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ساختن وضعیتی مطلوب در آینده تلاش می‌نمایند. برخی از این گروه‌ها و کشورها حامی تجزیه عراق، برخی از حاکمیت قانون فدرالیستی، برخی دیگر خواستار بازگشت وضعیت قبل از بحران و در نهایت عده‌ای هم در تلاش برای تداوم وضعیت بحرانی فعلی هستند. هر یک از این وضعیت‌ها در واقع آینده‌ای بدیل و تصویری از عراق آینده است که در صورت ایجاد شدن، امنیت کنشگران داخلی و امنیت ملی کنشگران خارجی را متأثر خواهد نمود. در این بین جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری با بیشترین نفوذ و بیشترین منافع در عراق بیش از سایرین می‌بایست در درک و ساخت آینده این کشور حساس باشد.

جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن مقدورات و محدودرات خود و توجه به وضعیت منطقه و جهان، باید تلاش نماید تا استراتژی و خط اصلی سیاست خارجی خود را بر توسعه منطقه‌ای و کسب بیشترین میزان نفوذ در منطقه متمرکز نماید. در این راستا نیاز به ابزارهایی داریم که هم تا حدودی در نگاه محافل بین‌المللی مقبول باشد و هم هزینه بسیار زیادی به ما تحمیل ننماید.

رویکرد سیاست خارجی ایران باید مبتنی بر اصل فرصت‌محوری و موقعیت‌آفرینی با تکیه بر چارچوب آینده‌سازی باشد و در این راستا تلاش نماید تا با دوری گزیدن از موضعی انفعالی، با نگاهی فعال و چه بسا بیش‌فعالانه برای ساخت آینده مطلوب خود در عراق برنامه‌ریزی نماید. در استراتژی فرصت‌محور نه تنها هیچ وضعیتی در آینده به کل برای ما تهدیدزا نیست بلکه هر آینده‌ای در کنار تهدیدهای خود می‌تواند فرصت‌های بسیار مناسبی نیز داشته باشد و چون نگاه ما بر اساس استراتژی بیش‌فعالانه ساخت آینده است بنابراین می‌توانیم ضمن مقابله با تهدیدهای احتمالی در آینده از فرصت‌ها برای نیل به اهداف سیاست خارجی خود بهره ببریم.

در وضعیت فعلی عراق و بدیل‌ها و تصاویر احتمالی آینده، هر بدیلی ضمن به همراه داشتن برخی تهدیدها برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارای فرصت‌های بسیار مناسبی جهت نیل به اهداف سیاست خارجی ما نیز می‌باشد؛ از این رو صرف نمودن توان و انرژی بیش از حد جهت تحقق یکی از این تصاویر صرفاً باعث تحلیل رفتن توان و انرژی ما خواهد شد، البته این به معنای اتخاذ رویکردی انفعالی «به معنای هر چه بادا باد» نیست بلکه متناسب با مقدورات و محدودرات خود و اولویت‌های خودمان باید با در نظر گرفتن هر چهار آینده بدیل و رصد دائمی آنها، نسبت به تحقق آینده‌ای که بیشترین منافع را برای امنیت ملی به همراه دارد، تلاش نماییم. از این رو در میان چهار آینده مجسم، تصویر و بدیلی که بیشترین منافع را می‌تواند برای ما به همراه داشته و در عین حال امکان تحقق بیشتری هم داشته باشد حمایت از گروه‌ها و احزاب شیعی جهت غلبه بر گروه داعش و در نتیجه بازگشت کشور به وضعیت قبل از بحران است. در این راستا باید تلاش نمود تا اکثریت این گروه‌ها و احزاب را حول محور مرجعیت آیت‌الله سیستانی متمرکز نمود.

حمایت ایران هم می‌تواند مستقیم باشد و هم غیرمستقیم. حمایت مستقیم در معنای دخالت شفاف در مبارزه با داعشی‌ها است که این به معنای ارسال تجهیزات و نیروهای نظامی برای مقابله با این گروه است که این موضوع عملاً از نظر محافل بین‌المللی دخالت آشکار در استقلال کشورها است و بی‌شک موجب واکنش شدید کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی خواهد شد و البته گروه‌های داخلی شیعه نیز رأی به این امر نخواهند داد. دخالت غیرمستقیم اشاره به فعالیت‌های گسترده و پنهانی از گروه‌ها و احزاب شیعی دارد که هم با کمک تسلیحاتی و هم کمک نظامی از طریق بسیج و گسیل نیروهای جنگی همراه است. این موضوع در وضعیت فعلی هم می‌تواند منجر به وابستگی گروه‌های شیعی به ما گردد و هم می‌تواند تداعی‌کننده قدرت و نفوذ ما در میان سایر کنشگران باشد؛ به عبارتی در حالی که دستگاه دیپلماسی ما با ادبیات شناخته شده دیپلماتیک از تمامیت ارضی و استقلال عراق و بازگشت سریع نظم و آرامش به این کشور سخن می‌گوید در عین حال از تمام توان خود برای سرکوب و مقابله با داعشی‌ها بهره می‌برد.

شکل ۱- نقشه مناطق تحت سیطره و مناطق درگیری گروه داعش در عراق و سوریه



فهرست منابع
منابع اینترنتی

- ۱- <http://www.yjc.ir/fa/news/4797758>
- ۲- <http://isna.ir/fa/news/93041911313/>
- ۳- <http://afghanistan.shafaqna.com/proposal/item/33289>
- ۴- <http://www.avapress.com/vdcaoana.49nyu15kk4.html>
- ۵- <http://salmaneali.parsiblog.com/Posts/1234/>
- ۶- <http://www.irna.ir/fa/News/81239430>
- ۷- <http://aftabnews.ir/fa/tag/1/>
- ۸- <http://www.nividar.com/news/5360af6a210a01e169d45d90>
- ۹- <http://dari.irib.ir/political/item/16468>
- ۱۰- <http://isna.ir/fa/news/93020201496/>
- ۱۱- <http://aftabnews.ir/vdchzwnw.23n6zdf2.html>
- ۱۲- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930130000020>
- ۱۳- <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
- ۱۴- <http://salameno.ir/fa/news/19073>
- ۱۵- <http://www.mashregnews.ir/fa/news/313345/>
- ۱۶- <http://www.shafaqna.com/persian/video-a-photo/photo/item/76904>
- ۱۷- <http://www.southwestasian.ir/fa/News-View-۱۴۴.html>
- ۱۸- <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=1464>
- ۱۹- <http://www.shia-news.com/fa/news/71606>
- ۲۰- <http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/Print/?Id=64838>
- ۲۱- <http://www.afkarenow.com/mataleb/iraq.htm>
- ۲۲- <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/5658/7719/97686>
- ۲۳- <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
- ۲۴- <http://www.dw.de/a-۱۷۷۰۷۲۲۶>
- ۲۵- http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/06/140624_u04_kerry_iraq_kurds_isis.shtml
- ۲۶- <http://www.entekhab.ir/fa/news/170859>
- ۲۷- http://www.radiozamaneh.com/morenews/2006/11/post_321.html
- ۲۸- <http://www.pressstv.ir/farsi/detail/1393/04/17/5047/ISILTank/>
- ۲۹- <http://fa.alalam.ir/news/1613161>
- ۳۰- <http://fa.alalam.ir/news/1613130>
- ۳۱- <http://fa.alalam.ir/news/1613090>
- ۳۲- <http://fa.alalam.ir/news/1612944>
- ۳۳- <http://fa.alalam.ir/news/1612918>
- ۳۴- <http://fa.alalam.ir/news/1612878>

- ۳۵- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/319070>
۳۶- <http://www.shia-news.com/fa/news/75381>
۳۷- <http://www.fardanews.com/fa/news/354280>
۳۸- <http://www.nividar.com/news/53a2af6a9c89e9747bab44ae>
۳۹- <http://www.bultannews.com/fa/news/208232>
۴۰- <http://www.mehrnews.com/detail/News/2306429>
۴۱- <http://www.irinn.ir/news/55777>
۴۲- <http://www.faraghlit.com>
۴۳- <http://www.farhangnews.ir/content/81402>
۴۴- <http://www.nividar.com/news/53abb6a19c89e9747bb167a6>
۴۵- <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

